

تجربه زیسته‌ی جوانان در مواجهه با چالش‌های هویتی جامعه‌ی گذار (مطالعه کیفی جوانان ۲۰-۳۰ سال شهر اصفهان)

خدیدجه سفیری^۱ و سمیه کلانی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۴

چکیده

با توجه به اینکه جامعه‌ی کنونی ما در حال گذر از هویت سنتی به هویت مدرن است، پژوهش حاضر با استعانت از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به بررسی چالش‌هایی که جوانان به لحاظ هویتی در بافت زندگی روزمره با آن‌ها مواجه می‌شوند، پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده است از طریق روش پژوهش کیفی و تکنیک مصاحبه به یک نظریه‌ی زمینه‌ای دست یابیم. براساس روش نمونه‌گیری کیفی-هدفمند (نمونه‌گیری نظری) و معیار اشباع نظری با ۲۸ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر اصفهان مصاحبه صورت گرفت، یافته‌های به دست آمده با استفاده از روش نظریه‌ی مبنایی شامل ۲۱ مقوله است. مقوله‌ی محوری این بررسی «انتخاب‌گری عناصر هویتی» است سایر مقولات را دربرمی‌گیرد. براساس مقوله محوری از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، وجود تضاد نسلی میان نسل جوان و نسل مسن است که در مدل پارادایمی نیز قابل مشاهده است...

کلیدواژه‌ها: چالش هویتی، زندگی روزمره، نسل جوانان، نسل مسن، جامعه‌ی گذار، هویت سنتی، هویت مدرن، نظریه معطوف به زمینه.

۱. استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء، m_safiri@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء، r.kalani67@yahoo.com

مقدمه

موضوع "هویت" از جمله مباحثی است که موضوع بحث و مختص بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و حوزه‌های دیگر بوده است، با این حال این توجیهی مناسب برای کنار نهادن این مبحث نیست، چرا که هویت همچنان از موضوعات چالش‌برانگیزی محسوب می‌شود که با وقوع پدیده‌ها و اتفاقات متعدد در جامعه تحت‌تاثیر قرار گرفته و درحین ثبات، ویژگی پویایی خود را به نمایش می‌گذارد و گاه تحت‌تاثیر این وقایع، یک جامعه از نظر هویتی (به‌ویژه میان نسلی که هویت آنان در حال شکل‌گیری می‌باشد و هنوز به هویتی مشخص دست نیافته‌اند) دچار چالش‌ها و بحران‌هایی می‌شود که نیاز به بررسی و ارائه راه‌حل‌های کاربردی در آن، به‌وضوح محسوس است.

استوارت هال معتقد است: "هویت‌ها هیچ‌گاه کامل، هیچ‌گاه تمام شده نیستند؛ همیشه به مانند خودسویژکتیویته، در فرآیند شدن^۱ هستند و این خود، رسالتی به شدت دشوار است. هویت همواره در حال شکل پذیرفتن است" (هال، ۱۳۸۳: ۳۲۶-۳۲۷).

اکنون مدت‌هاست، جوانان در سراسر جهان هویت‌های جاافتاده و سنتی را مورد سؤال قرار داده‌اند و به جست‌وجوی هویتی فردیت یافته‌تر، مستقل‌تر و فعال‌تر می‌پردازند، هویتی که آزادانه‌تر و برابرجویانه‌تر (به‌ویژه برای دختران) است و خواستار هویتی فراتر از مرزهای زندگی خانگی و خانوادگی است.

جوامعی که تمديد و گسترش جوانی را درک نکرده و به اختلال‌هایی که در روند جامعه‌پذیری و هویت‌یابی برای جوانان رخ داده‌است، بی توجه بمانند و تصور کنند همچون گذشته می‌توانند با جوان به صورت یک قشر حاشیه‌ای برخورد کنند، تنها تهدید را نصیب خود خواهند کرد، اما جوامعی که نسبت به واقعیات بصیر و خاضع باشند، می‌توانند از این تهدید (قشر نسبتاً جدید و ملتهب به نام جوان) به صورت یک فرصت سود جویند و با بازکردن عرصه‌های لازم در جامعه برای رشد و تعالی جوان، از این قشر پویا و تحول‌آفرین در متن اجتماع بهره جویند، همچنین با اتکا به پویایی آنها، سنت‌های غلط جوامع خود را زدوده، جامعه‌ای مبتنی بر صلح و عدالت ایجاد کنند (منطقی، ۱۳۸۳: ۴۰۶).

³in process

طرح مساله

شکل‌گیری هویت و منابع هویت‌یابی در دوره‌ی گذار از سنت به مدرنیته و به عبارت دقیق‌تر گذار از هویت سنتی به هویت مدرن، متفاوت از دوره‌های پیش از گذار (جوامع سنتی) است، همچنین جوامعی که در حال تجربه‌ی این وضعیت می‌باشند با مسائلی مواجه هستند که (به دلیل تفاوت سرعت تغییر) متمایز و گاه مغایر با مسائلی است که جوامع صنعتی و توسعه‌یافته امروزی که اکنون می‌توان گفت به ثبات رسیده‌اند، در دوره گذار به لحاظ هویتی با آنها مواجه بوده‌اند. تضاد (میان ارزش‌های سنتی و مدرن) بوجود آمده از این گذار هویتی، گاه کنش‌ها و واکنش‌های افراد جامعه را با مشکلاتی مواجه می‌سازد که ممکن است در ساخت اجتماعی واقعیت نیز خلل وارد سازد و چالش‌های هویتی و همچنین "سردرگمی هویتی" (زاهارنا، ۱۹۸۹) را پدید آورد. از دیگر ویژگی‌های این نوع جوامع، سرعت تحولات است. چنین جوامعی مسلماً باید بحران‌ها و چالش‌های متعددی را به سلامت پشت سرگذارند تا به ثبات، تعادل و روندی مشخص دست یابند تا در پی آن پیشرفت و توسعه حاصل آید، این در حالی است که سرعت تغییرات در کنار ویژگی‌های مثبتی که دارد، این اتفاق را دشوار می‌سازد. یکی از پیامدهای این سرعت و گسترش ارتباطات، افزایش شکاف دیدگاهی دونسل از جامعه است که به بروز چالش‌های زندگی روزمره جوانان دامن می‌زند. شایان ذکر است، چالش در این پژوهش صرفاً به امر منفی اطلاق داده نمی‌شود، بلکه چالش بروز وضعیت جدیدی است که بسته به نوع مدیریت و استراتژی‌های فرد و جامعه هم می‌تواند مثبت و هم منفی است.

مانه در وضعیت این یا آن که در وضعیت هم این هم آن به سرمی‌بریم" (دوران، ۱۳۹۰: ۱۵۸). این شرایط اشاره به وضعیتی قابل بررسی دارد که هوشیارانه باید آن را درک و از آن گذر کرد. یکی از علل اهمیت پرداختن به وضعیتی که در آن به سرمی‌بریم عدم هماهنگی میان بافت کلی جامعه و بافت جامعه آماری جامعه‌ی ایران است.

بافت کلی جامعه ایران متمایل به سنت (سنتی)، ولی بافت جامعه آماری آن (جوانان) بیشتر متمایل به مدرنیته می‌باشد. جامعه، خانواده، رسانه‌ها و... هنجارهای پذیرفته شده در نظام اجتماعی کلان را به فرد القا می‌کنند و کشش از این جانب به سمت حفظ سنت‌ها و داشتن کنش و واکنش مطابق و براساس آنچه به حفظ هرچه بیشتر نظام اجتماعی کلان (انتظارات جامعه از فرد) وجود

¹ Zaharna

دارد و برای بسیاری از جوانان در طی جامعه پذیری، درونی شده است، از جانب دیگر گرایشات و ارزش‌های جدید در جامعه که تحت‌تاثیر و از طریق گروه همالان، رسانه‌ها و... برداشت و تعریف مبهمی از مدرنیته به فرد القا می‌کند، مغایر با القانات مذکور و هویت‌های از پیش تعیین شده توسط نظام اجتماعی می‌باشد، در این میان کششی به سمت هویت فردیت یافته جدید، ساختارشکنی و گاه رفتارهایی متفاوت از آنچه که مورد تایید بافت کلی اجتماع است در ذائقه و گرایشات جوان پدید می‌آید که جوان را در تعارض میان ارزش‌های جمع‌گرا و ارزش‌های فردگرا قرار می‌دهد. با توجه به این مساله و تمرکز برچالش‌های جوانان (به‌ویژه با والدین) در حوزه هویت پژوهش حاضر به دنبال تدوین نظریه‌ای مبنایی در باب انتخاب‌گری جوانان براساس داده‌های کیفی است.

سؤالات تحقیق

- جوانان چه تفسیری از چالش‌های زندگی روزمره دارند؟ (درک آنان از مفهوم درگیری و چالش هویتی چیست؟)
- جوانان در این گذار هویتی (گذر از هویت سنتی به مدرن) چگونه به برساخت کنش خود دست می‌زنند؟
- جوانان چه برداشتی از هویت و ارزش‌های سنتی و هویت و ارزش‌های مدرن دارند؟
- شرایط علی و مؤثر بر چالش‌های هویتی جوانان چه مواردی می‌باشند؟

پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی متعددی در رابطه با هویت (به‌ویژه با روش کمی) در کشور انجام شده است، این درحالی است که بحث‌های مربوط به زندگی روزمره تقریباً جدید می‌باشد. با این وجود درخصوص موضوع تحت بررسی در این مقاله تنها به چند مورد زیر اشاره می‌شود:

- مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست مدرن» از حسینعلی نوذری که به بررسی سه‌گونه و قالب هویتی گذشته یا سنتی، هویت حال یا مدرن و هویت آینده یا پسامدرن در فرآیند تحولات تاریخ

اجتماعی - فرهنگی و در بسترهای مناسبات سیاسی-اقتصادی پرداخته است. با توصیف این سه نوع هویت در جمع بندی این نکته را بیان می‌کند که هویت از یکسانی به تکرر سیر کرده است. مقاله‌ای نیز تحت عنوان «رسانه‌های نوین و زندگی روزمره: تاثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان» که توسط عبدالحسین کلانتری و حسین حسینی نوشته شده است. هدف این مقاله پرداختن به رابطه میان رسانه‌های نوین و جوانان است. نگارنده در نتیجه به ذکر این مطلب می‌پردازد که جوانان و نوجوانان از تلفن همراه برای حفظ شبکه‌های اجتماعی خود و شکل دادن روابط جدید استفاده می‌کنند، همچنین ارتباطات موبایلی به یک وسیله مهم برای تعریف حوزه‌ی شخصی افراد تبدیل شده است. شاید در پاسخ به چستی فرد که بازتاب هویت اوست، بتوان گفت: "من تلفن همراه هستم"؛ به عبارت دیگر "من فرد در تلفن همراه او هویت و تشخیص پیدا می‌کند".

- پژوهش دیگری در زمینه زندگی روزمره تحت عنوان "احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره" است که توسط یوسف اباذری، سهیلا صادقی و نفیسه حمیدی نگاشته شده است. هدف مقاله بررسی احساس ناامنی در تجربه‌ای است که زنان از زندگی روزمره در فضاهای شهری دارند. برای تشریح این تجربه ویژه زنانه، در این مقاله به مصاحبه با چهل تن از زنان ساکن در شهر تهران پرداخته و از آنان خواسته شده که به تشریح نحوه مدیریت بدن خود در مواجهه با خطرات شهری و نیز احساس ناامنی حاصل از زندگی و آمدوشد در فضاهای شهری بپردازند و تجربه زیسته خود را در زندگی روزمره در رابطه با احساس ناامنی به واسطه داشتن بدنی زنانه بیان کنند. نگارنده در نتیجه‌گیری اشاره می‌کند گفته‌های زنان و ارائه‌ی نوعی دسته‌بندی مبتنی بر رفتار و ذهنیت از آن، منجر به ارائه یک تیپولوژی پنج‌گانه از انواع هراس‌های زنانه و نحوه عملکرد و اندیشیدن زنان نسبت به این موضوع شده است.

در رابطه با پژوهش‌های خارجی مرتبط با موضوع حاضر می‌توان به پژوهش مقاله "شوکر خود: پیچیدگی مضاعف چالش هویتی" توسط آر. اس. زاهارنا (1989)، کتاب قدرت هویت (2010) توسط ایمانوئل کاستلز^۱، مقاله دیگر تحت عنوان "پژوهش روزمره: تجربیات مردم جوان و حالت‌های شهروندی" توسط براون الیزابت وود^۲ (2012)، پژوهش "زندگی روزمره

¹ Manuel Kastells

² Brown Elisabeth Wood

و نظریه فرهنگی " توسط بن هایمور^۱ (2002) اشاره کرد که نمونه‌ای از مقالات موجود در دوحوزه‌ی مورد بحث و تمرکز در این مقاله می‌باشند، آنچه حائز اهمیت و در مقالات بالا مشترک می‌باشد، این است که مقالات حوزه هویت، اغلب با روش کمی و پیمایش کار شده‌اند ولی مقالات مربوط به زندگی روزمره با توجه به بافت این حوزه گرایش به روش کیفی ولی نه لزوماً نظریه‌سازی در این زمینه، داشته‌اند. برجستگی این پژوهش نسبت به پیشینه‌های مذکور در روش (نظریه زمینه‌ای)، بافت فرهنگی مورد بررسی (اصفهان به مثابه شهری سنتی-مدرن)، ویژگی‌های جامعه‌هدف و به لحاظ موضوع (چالش‌های زندگی روزمره جوانان را در حوزه هویت، با توجه به ویژگی‌های جامعه‌ی گذار به صورت عمیق مورد بررسی قرار داده)، می‌باشد، همچنین علل و استراتژی چالش‌های جوانان و عوامل و شرایط مؤثر بر آن به صورت یک نظریه زمینه‌ای و در قالب یک مدل در این پژوهش به نمایش درآمده است.

چارچوب مفهومی

وجه به تفاوت‌های فلسفی- پارادایمی خاستگاه دو روش کمی و کیفی، در بررسی کار کیفی به دلیل اینکه از نظریه آغاز نمی‌شود، چارچوب نظری هم جهت تدوین فرضیات نداریم، بلکه از چارچوب مفهومی جهت استخراج پرسش‌های پژوهش استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی است که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد. در این پژوهش از رویکرد جامعه‌شناسی تفسیری برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده شده است. این رویکرد به درک و تفسیر مردم به عنوان عاملانی فعال در برساخت زندگی روزمره می‌پردازد؛ بنابراین در این پژوهش با توجه به اینکه "این رویکرد بر اصالت انسان در برابر محیط تاکید دارد" (لینکلن به نقل از بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸) و همچنین با توجه به اهداف تحقیق، تلاش شده است به بررسی تجربه زیسته جوانان شهر اصفهان هنگام مواجهه با چالش‌ها در جامعه در حال گذار از هویت سنتی به مدرن و علل و پیامدهای آن بپردازیم.

¹ Ben Highmore

روش پژوهش

باتوجه به اینکه هدف این تحقیق چالش‌های هویتی جوانان در زندگی روزمره است، لذا روش کیفی به عنوان روش غالب و تکنیک مصاحبه برای انجام عملیات تحقیق و روش نظریه زمینه‌ای جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها انتخاب شده است.^۱ نظریه زمینه‌ای را تلاش برای یافتن نظریه‌ای دانسته‌اند که به‌طور استقرایی از مطالعه‌ی پدیده‌ای به دست می‌آید و نمایانگر آن پدیده است. در روش نظریه زمینه‌ای، نظریه را باید کشف کرد و از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده برآمده است، آن را اثبات کرد «استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۲۲». به عبارتی در نظریه زمینه‌ای، پژوهش میدان شروع می‌شود و از درون داده‌های به دست آمده نظریه به دست می‌آید.

در روش نظریه زمینه‌ای، داده‌های گردآوری شده در سه مرحله کدگذاری می‌شوند. طی این سه مرحله و باکدگذاری داده‌ها، به تدریج از درون آنها، مفاهیم؛ از درون مفاهیم، مقوله‌ها؛ و از درون مقوله‌ها، نظریه بیرون می‌آید (شکل ۱).

شکل ۱: روند تبدیل داده‌ها به نظریه در نظریه زمینه‌ای

داده‌ها ← کدها ← مفاهیم ← مقوله‌ها ← نظریه

در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه، در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده و در آخرین مرحله از کدگذاری، یعنی کدگذاری انتخابی، مقوله‌ی محوری انتخاب می‌شود و حول آن نظریه‌ای برآمده از درون تحقیق ارائه می‌شود. نظریه‌ی به وجود آمده از درون داده‌ها، حول مقوله‌ی محوری، به صورت مدل پارادایمی و داستان ارائه می‌شود. داستان، «روایتی توصیفی درباره‌ی پدیده‌ی اصلی تحقیق است» (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۱۸). نظریه‌ی به دست آمده، علاوه بر ارائه به صورت یک داستان، در قالب مدل پارادایمی نیز ترسیم می‌شود. چنین کاری تنها از طریق دسته بندی مقوله‌ها ممکن خواهد بود. به منظور برقراری پیوند بین مقوله‌ها، از مدل

^۱Categories

پارادایمی پیشنهادی استراس و کوربین استفاده می‌شود. این مدل پارادایمی، "مقوله‌ها را در شش دسته یا جعبه مقوله جای می‌دهد. در صورتی که از مدل استفاده نشود ممکن است نظریه‌ی تولیدی فاقد دقت و پیچیدگی‌های لازم باشد (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

این دسته‌ها عبارتند از: شرایط علی، شرایط زمینه (بستر ساز)، پدیده یا مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها.

واحد تحلیل در نظریه زمینه‌ای مفاهیمی هستند که در جریان نمونه‌گیری نظری مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند از افراد مورد مصاحبه به اشباع نظری رسیده‌اند. "این نوع نمونه‌گیری را گاهی نمونه‌گیری قضاوتی نیز می‌نامند... این نوع نمونه‌گیری گاه به وسیله‌ی پژوهشگران انجام می‌شود و درحین آن، از تخصص یا دانش خاص پژوهش‌گر درمورد برخی گروه‌ها، برای انتخاب موضوعاتی که نمایانگر آنها باشد استفاده می‌شود" (سفیری، ۱۳۸۸: ۵۹)؛ بنابراین نمونه‌ها به واسطه‌ی محقق به دو روش حضوری و اینترنتی از میان جوانان شهر اصفهان انتخاب شده‌اند. در این پژوهش سعی شده از تمامی مناطق شهر اصفهان نمونه انتخاب شود تا پراکندگی و ویژگی‌های مختلف جامعه هدف اعم از پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی متعدد را در برگیرد و صرفاً با نمونه‌هایی با پایگاه و ویژگی‌های مشترک مصاحبه صورت نگیرد.

جدول مشخصات نمونه‌ها

کدمصاحبه شونده	جنس	نام مصاحبه شونده	سن	وضعیت تأهل	شغل	تحصیلات	خیابان محل سکونت
۱	زن	زهرا	۲۵	مجرد	بیکار	فوق لیسانس	پنج رمضان
۲	زن	سحر	۲۵	مجرد	کارمند	لیسانس	۲۲ بهمن
۳	زن	مهسا	۲۳	متأهل	کارمند	لیسانس	سیچین
۴	زن	آزاده	۲۵	مطلقه	بیکار	لیسانس	ابن سینا
۵	زن	الهام د	۲۵	مجرد	دانشجو	فوق لیسانس	کاشانی
۶	مرد	سعید	۲۶	مجرد	کنترل کیفی مخزن	لیسانس	خواججه عمید
۷	مرد	مجتبی	۲۸	مجرد	کارگزار فرابورس و کالا	لیسانس	سپاهان شهر
۸	مرد	محسن	۲۴	مجرد	کارمند	لیسانس	هشت بهشت
۹	زن	الهام. م	۲۷	متأهل	دانشجو و کتابدار	فوق لیسانس	رباط
۱۰	مرد	مرتضی	۲۷	متأهل	برنامه نویس	لیسانس	فردوسی
۱۱	مرد	علی	۲۱	مجرد	طلبه	-	نیروگاه
۱۲	زن	فرزانه ک	۲۳	متأهل	دانشجو و خانه دار	لیسانس	آل خجند
۱۳	مرد	علیرضا	۲۵	مجرد	دانشجو	فوق لیانس	بزرگمهر
۱۴	مرد	نیما	۲۳	مجرد	دانشجو	لیسانس	ملاصدرا

۱۵	مرد	مهدی	۲۷	مطلقه	آزاد	سیکل	احمدآباد
۱۶	زن	سمیرا	۲۹	مجرد	کارشناس فروش	لیسانس	رودکی
۱۷	مرد	امید	۲۸	مجرد	مری بدنسازی و مغازه دار	لیسانس	میرزاطاهر
۱۸	زن	فرزانه ق	۲۶	مجرد	دانشجو و منشی	فوق دیپلم	کهندز
۱۹	مرد	بنیامین	۲۶	مجرد	حسابدار	لیسانس	ارتش
۲۰	مرد	جلال	۳۰	مجرد	آزاد	دیپلم	امام خمینی
۲۱	مرد	امیر	۲۸	مجرد	مهندس معدن	لیسانس	کاوه
۲۲	مرد	محمد	۲۵	مجرد	دانشجو	فوق لیسانس	اردبیهشت
۲۳	زن	الهام ج	۲۷	مطلقه	معلم	لیسانس	مدرس
۲۴	زن	فهیبه	۲۶	مجرد	روانشناس	فوق لیسانس	آراسته
۲۵	مرد	محمد ر	۲۳	مجرد	حوله بافی و نساجی	لیسانس	صمدیه
۲۶	زن	فرناز	۲۹	متاهل	خانه دار	فوق لیسانس	خاقانی
۲۷	زن	الهام ک	۲۶	مجرد	دانشجو	فوق لیسانس	زینیه
۲۸	زن	مرجان	۲۶	متاهل	دانشجو و خانه دار	فوق لیسانس	چهارباغ

قابلیت اعتماد

دستیابی به اعتماد (معادل اعتبار در تحقیقات کمی) در پژوهش حاضر به چند روش صورت گرفت که به دو روش آن اشاره می‌شود:

- کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضاء^۱: در این روش، "از مشارکت کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن و تفاسیر و برداشت‌های محقق نظر دهند. نیومن این نوع اعتباریابی را اعتبار اعضاء می‌نامد" (ر.ک به محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۶).

- استفاده از تکنیک ممیزی^۲: در این زمینه، چند متخصص که در کار کیفی تجربه داشته‌اند، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی، استخراج مقولات و برداشت‌های محقق نظارت داشته‌اند.

^۱Member Check

^۲Auditing

یافته‌ها

نتیجه‌ی کدگذاری سه مرحله‌ای داده‌های گردآوری شده، استخراج ۶۸ مفهوم و ۲۱ مقوله بود. مطابق فرآیند روش شناختی که شرح داده شد، طی سه مرحله‌ی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، از درون داده‌های اولیه، کدها و مفاهیم مشخص و استخراج شدند و سپس در مصاحبه‌های بعدی مفاهیم جدید اضافه و به غنای مفاهیم قبلی افزوده شد تا در نهایت مفهوم به دست آمد. در مرحله‌ی بعد، مفاهیم در قالب مقولات قرار گرفتند تا اینکه ۲۱ مقوله برای این پژوهش به دست آمد.

مقولات و مفاهیم تشکیل دهنده‌ی آنان در جدول زیر نشان داده شده است. در ادامه، به دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها دو مقوله و مفاهیم تشکیل دهنده‌ی آنها شرح داده شده و شواهد (مصاحبه‌های) مرتبط با آن آورده شده است، همچنین نمونه‌هایی از مفاهیم مربوط به مقولات در جدول زیر آورده شده است.^۱

جدول مفاهیم، مقولات و مقوله محوری استخراج شده از داده‌های کیفی

مقولات	مفاهیم	
درک از موضوع	چالش‌انگاری در تعریف دین (پلورالیسم دینی)	بحران در تعریف دین (دگرگونی تعریف دین)
	بحران اخلاق‌گرایی	تعریف فردی از چارچوب
	مصرف‌نظاری (زندگی‌نمایشی)	بحران تعریف اخلاق
		هنجارشکنی جنسی
	تفاوت و تضاد نسلی	نمایش تفاخر (هویت و زندگی‌نمایشی)
		مصرف‌گرایی تاییدطلبانه
		تضاد نگرشی میان نسلی
		تفاوت ادراکی نسلی از سطح رابطه‌ها
	فقدان تعاریف مشخص	ضدمعیارمندی در زمینه شغلی
		محدودیت‌های ضداستقلال‌طلبانه
تقابل بافتی سنت و تجد (تضادباخت فرهنگی سنتی-مدرن)	چالش سیاسی	
	بحران تعریف اخلاق	
فردگرایی فزاینده	تضادباخت فرهنگی (سنتی-مدرن)...	
	خرده جمع‌های فراخانوادگی	
	هویت فردگرایانه	

^۱ شرح کامل دیگر مقولات پژوهش حاضر همراه با مفاهیم و کدهای مرتبط در پژوهش اصلی که برگرفته از پایان نامه دانشگاهی نگارنده است، در دسترس قرار دارد (کلانی، ۱۳۹۳)

		تعریف فردی از چارچوب
شرایط بسترساز (زمینه)	تأثیر عامل رده‌ی سنی و اقتضانات مربوط به آن	ذائقه‌ها و ترجیحات جوانان
		آوانگاردیسم بودن جوانان در مقابل محافظه‌کار بودن والدین
	شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مؤثر بر روند هویت‌یابی	شرایط جمعیتی و اجتماعی
		تحولات ارزشی و سرعت تغییرات نسبت به نسل‌های پیشین تعدد یافتن منابع هویت‌یابی و تزلزل منابع هویت‌سازستی
شرایط مداخله‌گر	فضاهای ارتباطی و تأثیرات فردی و فرا فردی آن	قواعد خانواده و نوع جامعه‌پذیری فرد
		تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم رسانه‌های داخلی و خارجی
		نوع واکنش و مدیریت والدین در مواجهه با کنش‌ها و مسائل جوانان
	نوع نگرش‌ها و تجارب فردی جوانان	نگاه به مدرنیته؛ دوگانگی مدرنیته ظاهری و مدرنیته واقعی
		مقایسه و احساس محرومیت نسبی
	تضعیف سنت‌گرایی میان جوانان	ضعف گرایش‌های دینی و تداخل مرزهای ارزشی و غیرارزشی
تجدد و افزایش سن ازدواج		
شرایط علی	هویت توده‌ای همگن (هویت‌بیرونی)	هویت تک‌بعدی و مادی‌گرایی صرف
		جهانی‌شدن
	تاخیر فرهنگی	کاکرد و کاربرد نامناسب تکنولوژی
		تکنولوژی روبه‌جلو
		آگاهی چالش‌زا
	آگاهی دوسویه؛ دوگانگی چالش، ضدچالش	آموزش نادرست
		خانواده تنش‌زا
آگاهی کهنه‌ی چالش		
حکومت دینی و دین حکومتی	تضاد خوانش از دین	
	دین‌سالاری	
استراتژی و راهبردها	هویت موقعیتی	دوگانگی کنشی و بلا تکلیفی هویتی بر اثر تضاد فرهنگی
		همنوایی اجتماعی
	روایت فردگرایانه از زندگی جمعی (خانوادگی)	گرایش به استقلال‌یابی مکانی
		زندگی شاخه‌ای
راهبرد رجوع و بازگشت	رجوع به اعتقادات	
	بازگشت به خویشتن	
پیامدها	نوع‌شناسی احساس پس از کنش استراتژیک	احساس نارضایتی
		احساس گناه و عذاب وجدان
	تشدید تزلزل و تغییر ساختار هویت‌های جمعی و جایگزینی اشکال جدید هویتی	احساس رضایت و آرامش
		تشدید فروپاشی هویت‌سستی تمایل کمتر به تشکیل خانواده
مقوله مرکزی	انتخاب‌گری عناصر هویتی	

مقوله تفاوت و تضاد نسلی

این مقوله از مفاهیم "تضادنگرشی میان نسلی"، "تفاوت ادراکی نسلی از سطح رابطه‌ها"، "ضدمعیارمندی در زمینه‌ی شغلی" و "محدودیت‌های ضداستقلال طلبانه" تشکیل شده است.

تضادنگرشی میان نسلی

نگرش جوانان در هر نسل با نسل قبلی تفاوت‌هایی دارد، نوع نگاه به سبک زندگی، رابطه با دیگران (نوع و سطوح آن)، آینده‌نگری، ریسک‌پذیری و میزان اهمیت هویت فردی و جمعی در میان نسل کنونی بر اثر گسترش سطح ارتباطات و افزایش منابع اطلاعاتی (نسبت به نسل‌های پیشین)، شکل جدیدی یافته است. "افول ساختارهای سنتی روابط خانوادگی و رواج صورت‌های جدید گذار به بزرگسالی علاوه بر آنکه تغییرات کیفی در جوامع ایجاد می‌کند، توازن قدرت در روابط والدین و فرزندان را نیز دستخوش تغییر می‌سازد" (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). آزاده در این مورد به ارتباط و تعریف متفاوت آن توسط نسل جوان کنونی اشاره می‌کند و می‌گوید:

ارتباط با نسل قبل، مثلاً خاله و دایی و... اون تعریفی که اونا می‌تونن از روابط داشته باشن چیز دیگه‌ای (می‌تونه) باشه ولی جوونای امروزی خیلی محدودتره روابطشون (روابط رودررو با خویشاوندان)... حالا اون صلح‌رحم‌هایی که قدیم می‌شده بین خانواده‌ها الان هرچی داریم پیش می‌ریم کمتر شده این قضیه... ارتباطات بیشتر تلفنی شده و غیر رودررو که یکی از دلیل‌هاش میتونه تکنولوژی باشه. (کد ۴)

این نگاه به تضاد و تفاوت در ارتباط با نسل قبل و خویشاندان و... اگرچه اهمیت بسیار دارد ولی قسمتی از این تفاوت برداشت و نگرش میان‌نسلی را نشان می‌دهد. نگرش‌های ناهم‌ارز نسلی گاهی در عدم توافق میان جوانان و والدین در وجود رابطه میان دختر و پسر بیشتر بروز می‌کند و جلوه‌گر است. سمیرا این فاصله‌ی دیدگاهی را این گونه توصیف می‌کند:

پدر و مادر ما مال یه دوره‌ای هستن که کاملاً سنتی هست، چون پدر و مادر خودشون هم سنتی بودن و کاملاً افکار و عقایدشون با جامعه مدرن در تضاده و چون نسل ما تو این خانواده‌ها بزرگ می‌شیم واقعاً برامون سخته چون اونا فکر می‌کنن یه جورایی داریم سرکشی می‌کنیم، مثلاً الان، خیلی از ازدواج‌ها دیگه از حالت سنتی خارج شده، خیلی‌ها با دوست دختر/پسرشون ازدواج می‌کنن ولی همچین چیزی رو خانواده نمی‌پسندند چون معتقدن شکست می‌خورن یا یه حس و هوس زودگذره، البته خیلی از ازدواج‌های سنتی هم ممکنه باشکست مواجه به شه. (کد ۱۶)

تفاوت ادراکی نسلی از سطح رابطه‌ها

ورود به جامعه‌ی گذار، ورود به جامعه‌ای با روابط گسترده‌تر (از جامعه‌ی سنتی) و لایه‌های متعدد و پیچیده می‌باشد. براساس ویژگی‌ها و بافت این جامعه (مانند نوع مشاغل، تکنولوژی‌های ارتباطی و...) ورود به چنین ارتباطاتی تا حدودی اجتناب‌ناپذیر شده‌است. این درحالی است که نوع ادراک والدین با نوع ادراک جوانان از این نوع روابط متفاوت می‌باشد. با مرور مصاحبه‌ها و صحبت‌های بعضی جوانان می‌توان این موضوع را بهتر درک کرد.

مجتبی از جمله جوانانی است که فارغ از جنسیت دوستان بسیاری دارد و دارای سرمایه اجتماعی بالایی می‌باشد، می‌گوید:

می‌تونم به گم بزرگترین چالش نسل من در نکردن سطح رابطه‌هاست (توسط نسل قبل). من با آنا، پریسا و... در ارتباطم، آیا ارتباط ما جنسیه؟ خیر، ولی چیزی که در تفکر جامعه ما هست شما حتی با وجود تأهل اگر با من قرار بذاری، میشه مقابله با جامعه و بد. پس مشکل من نفهمیدن سطح رابطه‌ها من توسط نسل قبل. این خودش باعث میشه چالش‌های دیگه هم به مرور پیش به یاد... و البته به نظر من دلیل نمیشه برای ناهنجاری خوندن مدرن شدن و تغییرشون. نفهمیدن رابطه بین نسل‌ها توسط نسل من و نسل قبل من. رابطه منظور ارتباط شخص با شخص نیست، هر چیزی که به شه بهش گفت رابطه. (کد

(۷)

نکته‌ای در رابطه با مفهوم چالش در این پژوهش لازم است یادآوری شود و آن این است که مجتبی معتقد است «چالش صرفاً بر سر امر منفی اتفاق نمی‌افتد گاهی تفاوت نسل است»، سعید نیز معتقد است «چالش، امری طبیعی است»... این دیدگاه همانطور که هدف پژوهش حاضر می‌باشد نگرش آسیب‌شناسانه صرف و افراط‌گرایانه به موضوع حاضر و همچنین اصطلاح «چالش» را کم می‌کند.

تاملی بر نظریات مارگارت مید نشان می‌دهد، تفاوت‌هایی که درحالات سه‌گانه میان دونسل اتفاق می‌افتد درحال حاضر ترکیبی از حالات دوم و سوم آن در جامعه‌ی موردبررسی درحال رخ دادن است و می‌توان دسته‌بندی مشابهی را برای نسل‌های والدین و فرزندان امروز ذکر کرد. با این تفاوت که عامل پیدایش این تفاوت و تضاد در جامعه‌ی ما، جنگ جهانی نیست بلکه افزایش و سرعت ارتباطات و انقلاب ارتباطی به‌واسطه‌ی ابزارهای متعدد چنین تحولاتی را نسبت به نسل قبل به وجود آورده است.

سمیرا از جمله افرادی بود که به رابطه دو جنس نگاهی فراستنی داشت و در این مورد با خانواده تفاوت عقیده داشت، وی می‌گوید:

تو رفت و آمدهای اجتماعی هم آگه بدونن جایی میرم که پسر هست که هیچ! اما مثلاً کلاس موسیقیم رو که می‌رفتم خوب با بچه‌ها کلاس و استادمون ۱-۲ بارا کپیی رفتیم بیرون اوکی بودن؛ اما جای دیگه با دوستانم بخوام برم که پسر باشه نمیگم بهشوننه اینکه بخوام دورهمی و مهمونی و... اینا برم نهولی مثلاً بخوام جایی برم پسر باشه بحث داریم... کلاً با بیرون رفتن من مشکل دارن مهمونی هم که گفتم تا به شه نمیرم حوصله جر و بحث ندارم (با ناراحتی می‌گه) نمیدونم به من بی‌اعتمادن یا کلاً سیستم‌شون اینجوریه همیشه هم در مورد این موضوع حرف می‌زنیم ولی... ولی فایده نداره. (کد ۱۶)

فارغ از نگاه اخلاق‌گرایانه و آسیب‌شناسانه به نوع روابط کنونی در سطح جامعه‌ی در حال گذار ایران، این تفاوت نوع نگاه به رابطه و سطوح آن، از سوی والدین می‌تواند دلایل متعددی از جمله؛ میزان مذهبی بودن، سنتی بودن و یا نشأت گرفته از نوعی ابراز نگرانی از سوی آنان باشد. این در حالی است که تغییراتی به لحاظ میزان و سطوح رابطه در میان نسل کنونی نسبت به نسل قبل رخ داده‌است. تغییراتی نشأت گرفته از افزایش جمعیت جوان دختر در مقاطع تحصیلی دانشگاهی، افزایش حضور زنان و دختران در فعالیت‌های اجتماعی و شغلی، افزایش فضاهای مجازی و تسهیل‌کننده ارتباطات، تغییر نگرش نسل جوان کنونی به روابط و بسیاری موارد فردی و اجتماعی دیگر که این تفاوت و گاهی تضادچالش برانگیز را بوجود آورده است.

ضدمعیارمندی در زمینه شغلی

ظهور مدرنیته و پست‌مدرنیته همراه با نوعی خطرپذیری (درمقابل محافظه‌کاری و کنش‌ساختاری از پیش تعیین‌شده) بوده است. نظم‌ناپذیری و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن برخی سود و زیان‌ها در زمینه‌ی شغلی و حرفه‌ای از جمله مصادیق آن می‌باشد. بعضی جوانان تحت‌تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و همچنین اجتماعی، گرایش به هیجان‌ات و ریسک‌هایی فراتر از مرزهای ساختاری و هنجاری دارند. نیما در این مورد به شغل مورد علاقه‌اش (بازاریابی) اشاره می‌کند و می‌گوید:

خب خانواده‌ها میخوان به شغل دولتی داشته باشی که ریسک توش نباشه، بیمه باشی، ساعت خاصی داشته باشه، ولی من دوس دارم شغلم پر هیجان باشه، پرریسک، پرپول... کار بازاریابی دوس دارم... بازاریابی کارکردم، استعدادشم دارم... (کد ۱۴)

نیما در مورد علت مخالف خانواده می‌گوید:

میگن معلوم نیست تهش چی به شه، یوقت توی یه بازاریابی سنگین، سرت کلاه بره، یوقت بلا ملأ سرت به یاد، یوقت بازار جواب نده، نتونی پول به دست به یاری. (کد ۱۴)

مجتبی شرایط خود را چنین توصیف می‌کند:

پدر من نمی‌تونه درک کنه شغل من و رابطه من با شغلم را، چون شغل من درست در جامعه (دوره) اونم بوده ولی نوع و سبکش فرق داشته. انتظار هست مشابه اون‌ها رفتار کنم. پدر من برای خرید طلا می‌رفته بازار هنر می‌خریده میورده تو شهرستان مثلاً می‌فروخته، من تلفنمو بر می‌دارم می‌خرم از ترکیه و تو بازار تهران می‌فروشم، بدون جابجایی تو همین تایم صحبت، من معادل ۸۰ هزار یورو خرید کردم با تلفن و فروختم. این رابطه برای پدر من هر چند حتی خودش این کار قبلاً می‌کرد جا نیوفتاده است. پدر من کلاً با کار من مشکل مادر زادی داره. میگه باید برگردم به همون کارمندی. (کد ۷)

محافظه‌کاری والدین از دید جوانان نوعی چالش (مانع) در زندگی روزمره و شغلی آنان محسوب می‌شود، برجستگی این نوع شکاف دیدگاهی در زمینه‌ی انتخاب شغل را می‌توان مربوط به جامعه‌گذار و فرآیند جهانی شدن نسبت داد چرا که با ورود اینترنت و دیگر وسایل ارتباطی و سبک‌های شغلی جدید در جامعه نیمه‌سنتی، عده‌ای از بزرگسالان که با توجه به تجربیات‌شان، ریسک را ترجیحاً به دور از عقل سلیم می‌دانند پذیرای چنین مشاغل خطرپذیری (به لحاظ غیرقابل پیش‌بینی بودن سود و زیان) نمی‌باشند. "تکنولوژی اطلاعات بسیاری از شیوه‌های کار و زندگی ما را تغییر داده است. برای مثال به‌طور کلی ماهیت مشاغل تغییر کرده و تکنولوژی اطلاعاتی در همه‌جا از اهمیت خاصی برخوردار است" (گیدنز، ۱۳۸۰: ۶۲).

عدم زمان‌مندی، مکان‌مندی و ریسک‌پذیری بعضی از مشاغل، فراتر از ساختار سنتی (بعضی از مشاغل مانند کارمندی که سود و زیان آن مشخص می‌باشد و دارای بازنشستگی است) برای شماری از جوانان دارای جذابیت است. گرایش به بیان خودبازتابنده و هویت نوین که جوانان براساس آن به بیان روایتی خاص از هویت فردی خویش می‌پردازند، در مقابل روندهای سنتی انتخاب شغل و هویت روتین که عناصر انتخابی هویتی در آن محدود می‌باشد می‌تواند علت تضاد دیدگاه میان نسلی در این رابطه باشد. قابل ذکر است، فزون تجربه‌گرایی نسل جوان (نسبت به نسل قبل) نشان از نوعی "هویت‌یابی" به معنای اشاره به فرآیند پویای هویت دارد که خود این مساله گاهی در جامعه‌گذار برای فرد چالش‌زا می‌باشد.

محدودیت‌های ضداستقلال‌طلبانه

اگرچه استقلال‌طلبی و گرایش به تجربه‌ی زندگی مستقل از ویژگی‌های هر جوانی می‌باشد، در جامعه‌ی گذار کنونی با توجه به بالا رفتن سن ازدواج و طولانی‌شدن ماندن در خانه‌ی پدری به‌واسطه‌ی ادامه تحصیل و ... این مطالبه جوان به تأخیر افتاده‌است. به‌علاوه به‌واسطه‌ی رشد فردگرایی و گرایش به گذران بیشتر اوقات فراغت با همسالان در میان نسل جدید و در مقابل محدودیت‌ها و قاعده‌مندی‌هایی که خانواده‌ها قرار می‌دهند این قضیه برای جوانان چالش برانگیز شده است.

الهام می‌گوید:

یه دختر بخواد تویه جمع بلند به خنده نگاه بد بهش میشه ازین قیدوبند خسته میشه... به هرچیز آدم یه برنامه‌ریزی دارن هرکس باید خودش برنامه زندگی‌شو به چینه باید اجازه داد هرکس خودش فک کنه.
(کد ۹)

شماری از جوانان که به تمایل تشکیل زندگی جدا از خانواده در دوران مجردی اشاره می‌کنند و معتقدند اینگونه در حین حفظ رابطه با خانواده می‌توانند، استقلال بیشتری داشته باشند. موانعی مانند مخالفت خانواده‌ها و مغایرت این سبک زندگی در خانواده‌های ایرانی در ممانعت از این سبک مستقل زندگی کردن جوانان دخیل است. علیرضا و فرزانه ق در این زمینه هردو اشاره به آزادی بیشتر در داشتن مکانی جدا از خانواده برای ساعات ورود و خروج از خانه اشاره می‌کنند: من فقط توو غذا پختن مشکل دارم، آگه غذا پختن بلد بودمیا یک جوری غذا به هم می‌رسید دوست داشتم مستقل باشم، البته نه اینکه دور از خانواده باشماا، منظورم این نیست، اما حداقل یه چهاردیواری برای خودم داشته باشم که بتونم توش زندگی کنم و رابطه با خانوادم هم ترک نشه. (کد ۱۳)

علیرضا در رابطه با این که چرا این سبک زندگی را می‌پسندد می‌گوید:

بین...یه موقع دوست داری، ساعت ۲ نصف شب بری بیرون ازخونه، باید به ۱۰۰ نفر جواب پس بدی، شاید جای بدی هم نخوای به ریا، اما همین که ازت می‌پرسند زیاد جلوه خوبی نداره یا ممکنه بخوای دوستاتو دعوت کنی خونه بازم به مشکل برمپخوری حالا آگه دوستت دختر هم باشه، دیگه سرتو از تن جدا می‌کنند. (کد ۱۳)

علیرضا این مخالفت خانواده را نوعی نگرانی والدین تعبیر می‌کند و نه الزاماً نگرش سنتی. ذکایی این مورد را براساس مکانیسم محرومیت‌نسبی توضیح می‌دهد. "برخی جوانان در مقایسه‌ی ذهنی وضعیت موجود و ساختار روابط خانوادگی و محیط اجتماعی خود با کشورهای غربی، شکاف بسیاری میان آنچه در شکل ایده‌آل باید در روابط خانوادگی وجود داشته باشد و آنچه در عمل در بسیاری از خانواده‌ها حاکم است می‌یابند" (ذکایی، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

درنهایت در رابطه با تفاوت و تضاد نسلی، به نظر نمی‌رسد القاء عقیده‌ای که بزرگسالان آن را درست می‌پندارند از طریق اجبار و سخت‌گیری به جوانان نتایج دلخواه را بدست دهد و پدیدآور مشکلات دیگری نیز خواهد بود. دکتر ذکایی معتقد است: "البته این تفاوت بین نسل‌ها در تمام دنیا بخصوص در عصر مدرنیته نیز به درجات مختلف وجود داشته و دارد. ولی جوامع سنتی یا ایدئولوژیکی مانند ژاپن، چین و روسیه که تلاش کرده‌اند به هر قیمتی جوانان خود را محصور در ارزش‌ها و هنجارهای جامعه کنند و نیز احترام به سنت‌های جامعه در آن‌ها بیشتر بوده است، با اینگونه مشکلات بیشتر روبرو شده‌اند" (ذکایی، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

آگاهی دوسویه؛ دوگانه‌ی چالش، ضد چالش

مقوله‌ی "آگاهی دوسویه" شامل مفاهیم "آگاهی چالش‌زا"، "آموزش نادرست"، "خانواده‌تنش‌زا" و "آگاهی کاهنده چالش" می‌باشد.

آگاهی چالش‌زا

همانطور که گفته شد، در جامعه‌ی سنتی، هویت در معرض منابع آگاهی بخش محدود و معدودی قرار داشت، امروزه این منابع و مرزهای آنها بی‌حد و حصر شده است. ما حتی اگر نخواهیم در معرض اطلاعات و آگاهی‌های جدید قرار داریم که بر منش، سبک زندگی و تفکرمان تأثیر دارد. این آگاهی‌ها گاهی گرایش فرد را برای تجربه‌ی امور جدید افزایش می‌دهد، اموری که شاید مغایر با امور پذیرفته شده در جامعه‌ی سنتی باشند، مانند سبکی از زندگی که مغایر با فرهنگ ایرانی است و یا هنوز در جامعه‌ی گذار جان‌یافته است.

"هویت همواره یک مفهوم ارتباطی بوده است" (Barth, 1969)؛ به این معنا که ما به وسیله تشابه‌ها و تفاوت‌هایی که با دیگران داریم و در طی کنش و واکنش‌های اجتماعی‌ه شناخت خود و شکل دهی به آن دست می‌یابیم. آشنایی با نحوه‌های متفاوت گذران زندگی روزمره که از طرق

متعدد حاصل می‌شود (مانند رسانه‌ها، دانشگاه و...) اغلب برای جوانان جذاب و تمایل آنان را برای تجربه در این زمینه‌های متفاوت افزایش می‌دهد این امر می‌تواند سرچشمه چالش‌های فرد با خودش (دغدغه چگونگی کسب این تجربه)، خانواده و جامعه بزرگتر باشد.

آزاده در مورد علت چالش‌ها می‌گوید:

«یکی دیگه‌اش هم به نظر من تبادل اطلاعاته یعنی اینقدر سرعت تبادل اطلاعات زیاد شده که خیلی زود آدم از خیلی چیزها اطلاع پیدا می‌کنن... خیلی سریع خودشونو میخوان با این جریان آخت کنن یا به گن ماهم تو این جریان هستیم، به نظرمن به روند و به جریانه که اصن داره جامعه بشریت رو می‌کشه دنبال خودش... یعنی آدم هیچ اراده و اختیاری غیر از حالا به تعداد معدودی شون ندارن...» (کد ۴)

آزاده علاوه بر تبادل اطلاعات به سرعت آن نیز اشاره می‌کند. رسانه‌های جدید این امکان را به جوانان داده‌اند که از اخبار و اطلاعات سراسر جهان مطلع شوند و مدرنیته مانند گردونه‌ای که روزه روز این شبکه‌ی آگاهی‌بخش جهانی را گسترده‌تر می‌کند، افراد را در معرض این اطلاعات قرار می‌دهد.

زهرآ به آگاهی از راه‌های جدید زندگی به عنوان یکی از علل چالش‌ها اشاره می‌کند:

آگاهی، سواد، اطلاعات... تو می‌فهمی، خیلی راه‌های دیگه هم برای زندگی هست، سبک زندگی‌های دیگه رو هم می‌بینی... آگاهی... یعنی اینکه جوون میبینه که هست... میشه جور دیگه هم زندگی کرد... راه‌های دیگه هم هست... سبک زندگی عوض میشه تا جایی که دیگه نمی‌تونه توی اون محله‌ای بره که مامانش اینا (خانوادش) هستند... نگاهش فرق کرده... حالا به بخشی‌اش هم ناشی از رسانه‌های خارجه... به نظرمن به بخش زیادیش ناشی از آگاهی یعنی می‌بینی، میخونی، دانشگاه میری دایره تعاملات گسترده‌تر شده... اون موقع‌ها فقط چهار تا هم محله‌ای بودند... الان چی؟... تو از طریق اینترنت خونت میتونی با یه پسر اهل لس‌آنجلس به شینی حرف بزنی. (کد ۱)

این نوع آگاهی به نوعی در برگرفته‌ی چالش‌های جهانی شدن نیز می‌باشد. چالش اینکه چگونه از سطح هویت جمعی جامعه‌ی خودم فراتر روم و هویتی جهانی داشته باشم، کنارگذاری یک سری ارزش‌ها، پذیرش ارزش‌های جدید و ساختارشکنی در زمینه‌ی بعضی رسوم سنتی، همه در این مسیر می‌تواند وجود داشته‌باشد.

سحر در زمینه‌ی علل چالش‌جنسی جوانان به رسانه‌ها اشاره می‌کند:

به خاطر باز شدن درهای دنیای مدرن به روی ما... ماهواره، اینترنت... مطالبی که توی کتابا نوشته میشه... بلوغ جنسی زودتر اتفاق میفته. (کد ۲)

پرواضح است، با روند پیشرفت اطلاعات و ارتباطات هرنسلی نسبت به نسل پیشین خود بیشتر در معرض اطلاعات و آگاهی‌های نو می‌باشد و همین نوعی تفاوت میان دونسل به وجود می‌آورد. در دوره‌ی کنونی که سرعت تبادل اطلاعات بالاتر رفته و ما با تعدد شبکه‌ها و منابع اطلاع‌رسانی مواجه هستیم، حتی فرد فرد اعضای جامعه یک منبع اطلاع‌رسانی (از نظر تکثر پوشش، سبک زندگی، طرز فکر و...) محسوب می‌شوند که گاهی ایجادکننده‌ی تضاد میان والدین و فرزندان می‌باشد.

آگاهی از منش و سبک‌های متفاوت زیستن با توجه به نوع و شرایط آن می‌تواند بار مثبت و یا منفی به خودگیرد. نکته‌ای که جهت جلوگیری از گاه آسیب‌شناختی صرف در رابطه با این مفهوم شایان ذکر است، این است که آگاهی‌چالش‌زا نیز به دونوع آگاهی‌چالش‌زا منفی و آگاهی‌چالش‌زا مثبت تقسیم می‌شود، چرا که چالش در این پژوهش نیز دارای بار مثبت و منفی می‌باشد، آگاهی‌ای که در جهت حذف سنت‌ها و رسوم بدون کارکرد جامعه باشد، آگاهی‌چالش‌زا مثبت است (و لازمی پیشرفت می‌باشد) و در این بین فرد مطمئناً با موانعی روبرو خواهد بود و آگاهی‌ای که در جهت برخی ساختار شکنی‌ها و حذف ارزش‌هایی باشد که انسجام خانواده و جامعه را برهم می‌زنند، آگاهی‌چالش‌زای منفی تلقی می‌کنیم. در پایان، بیشتر در این مورد توضیح داده خواهد شد.

آموزش نادرست

آموزش رکن اساسی هر جامعه محسوب می‌شود، آموزش یک نهاد است که می‌تواند بر روند هویت‌یابی و نوع هویت فرد تأثیر بسیاری داشته‌باشد. بخشی از آن جامعه‌پذیری است که به اعتقاد برابان فی "جامعه‌پذیری یک نوع تجربه‌ی ساختن هویت است" (برابان فی به نقل از منادی، ۱۳۹۲: ۲۸۲)، بخشی از آن درون خانواده و بخشی دیگر درون جامعه و جوامع مجازی دیگر رخ می‌دهد. ما در جایگاه عاملیت مدام در حال آموزش دیدن و بازاندیشی و بازسازی هویت خویش هستیم. آموزش یکی از رکن‌های آگاهی‌بخش است که همانطور که گفتیم، می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

آزاده به بدحجابی به عنوان یک چالش در جامعه‌ی کنونی اشاره و علت آن را اینگونه بیان می‌کند:

چرا این اتفاق می‌افتد به نظر من آموزش نادرسته، تربیت نادرسته... یعنی اگر که خانواده‌ها از همون زمان که بچه تربیت‌پذیر میشه تربیت درستی بدن به بچه‌هاشون، وقتی هم که اینا بزرگ میشن حتی در معرض ناهنجاری‌ها قرار می‌گیرن، حتی در معرض تضادها قرار بگیرن به نظر من نمی‌تونه متزلزل به شه هویت‌شون... ولی خب خیلی هم درعین حال سخته‌ها... شاید به خانواده‌ای هیچ کم و کسری واسه بچشون نذاشته باشن خیلی هم تلاش کرده باشن ولی واقعاً وارد به دانشگاه به کلاسی میشه تحت تاثیر قرار می‌گیره. (کد ۴)

جملات بالا به نقش خانواده در نوع و چگونگی آموزش اشاره دارد ولی درعین حال بیانگر این نکته است که خانواده، نهادی تک‌علیتی در زمینه آموزش نمی‌باشد و عوامل متعددی در این زمینه مانند کلاس درس در دانشگاه، گروه‌همالان، فضاهای ارتباطی و رسانه‌ای و... می‌تواند تاثیرگذار باشد.

مجتبی به محدودیت‌ها و به نوعی از نظارت درونی به جای نظارت بیرونی اشاره دارد:

تحریم‌هایی که میشه. روابط و راه اصلی رو خارج و به فرعی میریم. من میخوام این جمعه با فلان کس (جنس مخالف) قرار کوه بذارم، باهم میریم کوه... تحریم از طرف کسی (خانواده یا جامعه) که باعث میشه فلائی بر خلاف میلش شاید که دوست داره بریم کوه به گه خیر. چه معنی میده من متاهل یا حتی دختر بیام با توی آقای مجرد کوه. پس باید آموزش داده به شه. باید به جای تحریم کردن خودمون بخوایم تربیت بشیم (کد ۷).

خانواده تنش زا

در کنار مفهوم قبلی که آن به نقش خانواده در چگونگی و نحوه آموزش فرد اشاره داشت، این مفهوم (که در راستای مفهوم قبلی قرار می‌گیرد)، خانواده نیز اهمیت بسیار دارد. میزان آزادی‌های معین و چارچوب‌بندی شده به طور منطقی در خانواده می‌تواند حس استقلال را در حین رعایت یک‌سری مرزهای مشخص و هنجاری را به فرد جوان القا کند. مفهوم «خانواده تنش‌زا» به عنوان یک مفهوم کلیدی متمرکز بر جو حاکم بر خانواده یکی از علل تاثیرگذار بر نحوه‌ی هویت‌یابی جوانان و ساخت اجتماعی واقعیت توسط آنان می‌باشد. مهسا به بعضی از محدودیت‌های وارد شده بر جوان از طریق خانواده به عنوان علت برخی از چالش‌ها و استراتژی‌های ناشی از آن (مانند پنهان‌کاری) اشاره می‌کند:

تقصیر خانواده‌هاشونه... وقتی که یکی رو اینقدر محدود میکنی که یه سری چیزا براش عقده به شه بعد از هزار و یه چیز دیگه سردمباره... وقتی زیاد یکی رو محدود کردیا، زیاد تو جامعه نمی‌تونه به گرده تا یه سنی ازاون سن به بعد یه چیزی که دید می‌گه اچطور من تا حالا اینو تجربه نکرده بودم... چقدر خوبه... اونوقت هی می‌خواد که به طور بدی اینا رو به دور از چشم خانواده بروز بده (کد ۳)

مهدی معتقد است انتخاب همسر سابق‌اش را بر اثر محدودیت‌های خانواده در روابط دختر و پسر و لجبازی او با آنها انتخاب کرده و می‌گوید:

وقتی خانواده یه سری محدودیت‌های بی جا برای من جوون تعیین میکنه، منم به سمت لجبازی و انجام یه سری کارایی می‌کنم که اونا دوس ندارن میرم مسلماً. پدرمادرا آگه با بچه هاشون دوس باشن به نظرم خیلی از مسائل حل میشه و مسیر اشتباهی طی نمیشه. (کد ۱۵)

آگاهی کاهنده چالش

مفهوم مقابل آگاهی چالش‌زا، آگاهی کاهنده‌ی چالش می‌باشد که وجه دوم آگاهی دو دوسویه را تشکیل می‌دهد. همانطور که گفته شد آگاهی می‌تواند در جهت توانمندی فرد برای کنترل و مدیریت چالش‌ها اعم از مثبت و منفی و انتخاب راهبرد صحیح تاثیرگذار باشد و این بسته به نوع و منبع آگاهی دریافتی فرد دارد.

سعید نظرش را در مورد چالش در گذر از سنت به مدرن و عوامل تأثیر گذار بر بروز و کاهش آن می‌گوید:

ببینید، خیلی سخت نیست و مربوط به الان نمیشه، همیشه این موضوع بوده، ولی الان ارتباط قوی‌تر و اطلاعات‌رسانی‌ها بیشتر شده و سرعت تغییر بیشتر واسه همین تو چشمه! آگه نه یه اتفاق طبیعی که جامعه در حال رشد این مشکل رو داره و راه حلش آینه که پدر مادرا بدونن این اقتضای سنه و همچنین جوونا اطلاعات بیشتری از خودشون داشته باشن، اینم وظیفه دانشگاه مدرسه و... هستش که یکم به جای چرت و پرتایی که هیچ وقت بکار نمیان درس زندگی بدن به دانشجوها، البته آگه مشاوره خوب هم پیدا کنن خوبه، من خودم خیلی سر جنگ داشتم با بابام، مشاوره رفتمو اطلاعاتم زیاد شد تو این زمینه. (کد ۶)

نهادهایی که در این امر (کنترل، مدیریت و کاهش چالش) می‌توانند دخیل باشند همان منابعی هستند که می‌تواند در سوی دیگر آگاهی (آگاهی چالش‌زا) دخیل باشند. به عبارت دیگر خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه‌های جمعی و... همان منابعی هستند که می‌توانند بر چالش‌ها و هم

ضدچالش‌ها تاثیرگذار باشند و بسته به نوع آگاهی و جامعه‌پذیری‌ای که برای القاء به فرد در نظر می‌گیرند نقشی متغیر داشته باشند.

بحث و استنباط نظری

جامعه‌ی درحال گذار، با توجه به شرایطی که در معرض سنتی ماندن و مدرن شدن پیدا می‌کند و در وضعیتی که نه این است و نه آن، دارای بافتی شکننده‌تر از جوامع دیگر است، به طوری که مراقبت و مدیریت قوی‌تر و شدیدتری را نسبت به دوره‌ای که در ثبات سنتی و روال آرام خود، به سر می‌برد، نیاز دارد. هویت‌یابی و ساخت اجتماعی واقعیت در این دوره با دوره‌های پیشین متفاوت است؛ پیچیدگی، تکثر، درهم ریختن مرزهای معنایی و اخلاقی و نامشخص شدن تعاریف محرز حاکم بر جامعه سنتی، در شکل‌دهی هویت و انتخاب‌گری عناصر آن از سوی فرد در این دوران تأثیر بسزایی دارند. مسلماً منابعی که تحت عنوان کاهش دهنده چالش‌های زندگی روزمره ذکر شدند در این مسیر، موظفند در راستای آگاهی‌بخشی استراتژی‌های موجود برسرراه جوانان (در مواجهه با چالش‌ها) و پیامدهای آن عمل کنند. این نوع آگاهی‌بخشی به معنای تعیین‌گری مسیر هویتی جوانان از سوی این منابع نیست، بلکه صرفاً نقش آگاهی‌بخش دارند و بهتر است انتخاب را به عقل سلیم خود فرد واگذار کنند. با توجه به اینکه هویت پدیده‌ای اجتماعی است و در ارتباط میان فرد و دیگران (جامعه) و تحت تاثیر آن ساخته می‌شود، ولی گاهی جوانان تحت تأثیر هویت مدرن و فردگرایی حاصل از آن گرایش به شکل‌دهی هویت به صورت فردی و تحت تأثیر سلايق و انتخاب‌گری‌های شخصی به گونه‌ای افراطی دارند، این درحالی است که گاهی پیامدهای اجتماعی برخی از این نوع فردگرایی‌ها چالش‌هایی را در روابط و تجربه زیسته آنان در جامعه به وجود می‌آورد.

براساس مقوله محوری، اکثریت جوانان که مصاحبه با آنان صورت گرفته شد، در رابطه با چالش‌های زندگی روزمره و هویت‌یابی، وجود نوعی مانع بر سرراه کنش برای انتخاب مسیر هویت‌یابی خود را مطرح می‌کردند که در طی مصاحبه‌ها به دو بُعد ذهنی و عینی به طور صریح و ضمنی، اشاره شد. می‌توان گفت از مهم‌ترین مقوله‌های پژوهش حاضر که در میان مصاحبه‌ها پرفراوانی‌ترین اشارات به سمت و سوی آن بود، مقوله تفاوت و تضاد نسلی است. این مقوله به انحای مختلف از سوی غالب اعضای نمونه توضیح داده شد، به طوری که جوانان

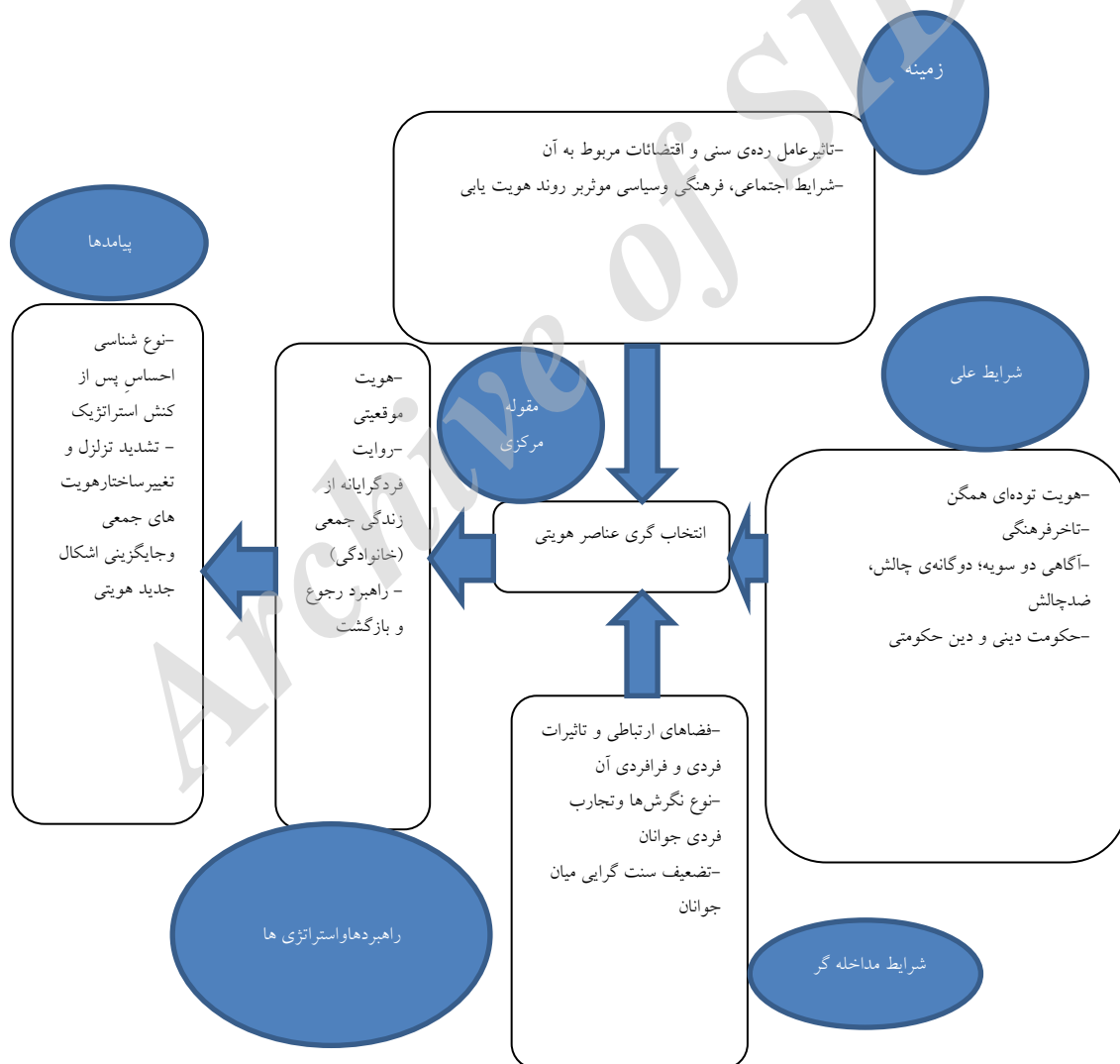
اشاره به وجود نوعی "مانع" از سوی والدین در انتخاب آزادانه و فردی عناصر هویتی و برساخت آن داشتند. این احساس وجود چالش نسلی می‌تواند ذهنی (عقاید و دیدگاه‌ها) و یا عینی (در سطح کنش) باشد. بسیاری از آنان برداشتی متفاوت نسبت به نسل قبل، درباره‌ی ارزش‌های سنتی، دین، هویت جمعی، هویت فردی و به طور بارز نگاهی فردیت یافته‌تر و پُرباورتر به توانایی عاملیت، در شکل‌دهی به هویت داشتند. این تفاوت نگرش جوانان با والدین یکی از مهم‌ترین، برجسته‌ترین و پرفراوانی‌ترین چالش‌های زندگی روزمره‌ی جوانان محسوب می‌شود که مفاهیم عمده و مهمی را در خود جای داده است، همچنین بسیاری از چالش‌ها، علل آن‌ها و استراتژی‌های آنان تحت تأثیر این موضوع شکل گرفته است که مهم‌ترین آن در بحث رابطه با جنس مخالف است به طوری که در حد دوست اجتماعی و تا سطوح عمیق‌تر که رابطه جنسی نامشروع را دربرمی‌گیرد.

در تفاوت دیدگاه جوانان با والدین آنچه مشخص است، نگرش نفع‌گرایانه و معیار منافع فردی در هنگام کنش از سوی جوانان می‌باشد که اغلب از سوی والدین، نوعی هنجارشکنی و براساس تعریف ذهنی‌ای که از ساختارهای ارزشی و هنجاری دارند، آن را شکستن تابوها (مثلاً در بحث آداب و رسوم، روابط جنسی، تفریحات، احترام‌گذاری به دیگران و...) تلقی می‌کنند. فردیت در جامعه‌ی نیمه سنتی ایران که ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای خاص خود را دارد و شاهد ورود هنجارها و ارزش‌های جدید به آن هستیم، رو به افزایش است، به عنوان مثال جوانان در این زمینه به تجربه‌ی داشتن خانه‌ی مستقل از خانواده در زمان مجردی، تعریف چارچوب‌های اجتماعی به صورت فردی (که نوعی تکثر در تعریف دین، اخلاق و رابطه با دیگران را بوجود آورده است) و انتخاب فرد مورد نظر ازدواج به طور شخصی‌گرایش دارند که برخی ساختارها و تعاریف ذهنی و قواعد جاافتاده موجود در خانواده و جامعه، در مقابل این موارد به صورت مانع در برابر تمایل و انتخاب خود می‌دانستند.

همچنین آگاهی چالش‌زا را نمی‌توان صرفاً به معنای آگاهی‌دارای بار منفی تلقی کرد آگاهی چالش‌زا می‌تواند به دو بعد مثبت و منفی تقسیم شود، آگاهی در این معنا، می‌تواند دو وجهی عمل کند، همانطور که سنت و مدرنیته صرفاً دارای ارزش‌های مثبت و یا منفی نیستند. درعین حال، آگاهی‌کاهنده چالش می‌تواند آگاهی‌چالش‌زای منفی را مدیریت کند و در هنگام مواجهه با آن به شکل مناسبی آن را حل کند، مانند جوانی که هنگام مواجهه با عنصر فرهنگی نادرست که از طریق اینترنت، تلویزیون و ماهواره، ترویج می‌شود و مغایر با یک سری ارزش‌های درونی شده

وی است با چنگ انداختن به آگاهی کاهنده چالش، پذیرش این عنصر فرهنگی (مصرفی) را مدیریت می‌کند و مانند مخاطبی منفعل در برابر برون‌دادهای رسانه‌ای قرار نمی‌گیرد.

شکل: مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای به دست آمده از درون داده‌ها



منابع

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۷) اصول روش کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه‌ی بیوک‌محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بوستانی، داریوش و محمدپور، احمد (۱۳۸۸). بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱، ش ۴، ص ۱۷۲-۱۴۲.
- دوران، بهزاد (۱۳۹۰) "هویت‌یابی در عصر بحران هویت: چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی"، فصلنامه برگ فرهنگ، شماره ۲۱، صص ۱۶۲-۱۵۷.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، تهران: نشرآگه، چاپ دوم.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۸). روش تحقیق کیفی، تهران: نشر پیام‌پویا، چاپ دوم.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۸). «ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸، صص ۱۰۶-۷۳.
- منادی، مرتضی (۱۳۹۲) "جوانان و نهادهای اجتماعی: رویکرد جامعه‌شناسی"، چاپ اول، تهران: انتشارات امعه‌شناسان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳) "بحران‌های هویتی در جوامع در حال گذار"، کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت، مجموعه مقالات جمع‌آوری شده به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی، چاپ اول.
- هال، استوارت (۱۳۸۳). "هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید"، مترجم شهریار وقفی‌پور، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴، صص ۳۵۲-۳۱۵.

Barth, F. (1969) Introduction, in F. Barth (ed.), *Ethnic groups and boundari*, pp. 9-37, Boston, Little Brown.

Zaharna, R.S (1989).”*Self-Shock: The double-binding challenge of Identity*”, International Journal of Intercultural Relations, Vol.13, pp. 501-525.

Archive of SID